

بررسی عوامل مؤثر بر اعتیاد به مواد بر اساس نظریه آنومی دورکیم و مرتن

مهدی ایزدینیا

کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی علل اعتیاد به مواد مخدر صنعتی در شهر گرگان می‌باشد که از نظریه‌های آنومی دورکیم و مرتن استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه معتادان حاضر در کمپها بوده است که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۱۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده است. روش تحقیق، علی - مقایسه‌ای بوده و جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شده است. جهت بررسی پایایی از آلفای کرونباخ استفاده گردید که ۰/۸۱ به دست آمده و تایید شد نتایج نشان داد که بین آنومی، محل سکونت و مهاجرت، بیکاری، دسترسی آسان و اعتیاد به مواد مخدر صنعتی رابطه معنی‌دار قوی وجود دارد. آنچه قابل توجه است اینکه همه افراد مورد مطالعه اذعان داشته‌اند که بیکاری نسبت به دیگر متغیرها تأثیر کمتری داشته است؛ بنابراین برای پیشگیری از این آسیب اجتماعی مهم، بایستی اقدامات جدی صورت بگیرد.

واژه‌های کلیدی: آنومی، مواد مخدر صنعتی.

مقدمه

زندگی اجتماعی انسان تحت حاکمیت قواعد و هنجارهای اجتماعی است. اگر ما از قواعدی که انواع رفتار را در زمینه‌های معینی به عنوان رفتارهای مناسب و رفتارهای دیگری را به عنوان رفتارهای نامناسب تعریف می‌کنند، پیروی نمی‌کردیم، فعالیت‌هایمان دستخوش هرج و مرج می‌گردید.

از سوی دیگر زندگی اجتماعی انسان با پدیده‌های اجتماعی نمود می‌یابد. پدیده‌های اجتماعی در واقع واقعیت‌هایی هستند که جزء ذاتی زندگی اجتماعی بشر می‌باشند. حال اگر برخی از این پدیده‌ها در وضعیتی قرار گیرند که از سوی جامعه، منفی تلقی شوند، ممکن است که در حیات مطلوب اجتماعی اثر نامناسب گذارده و یا آن را تهدید نمایند. اما باید دانست که تلقی منفی از یک پدیده اجتماعی در همه جوامع یکسان نیست و شاید محدودی از این پدیده‌ها را بتوان یافت که وجود آنها در تمام یا اغلب جوامع همراه با تلقی منفی باشد. همچنین در یک جامعه خاص نیز تشخیص مثبت یا منفی بودن یک پدیده در میان گروه‌ها یا افراد مختلف، لزوماً یکسان نمی‌باشد. در این میان تلقی رهبران سیاسی جامعه، فراتر از یک تلقی فردی بوده و به مقدار زیادی در روند حیات جامعه تأثیر دارد (کاکویی و قوامی، ۱۳۹۳).

اعتیاد به مواد مخدر یکی از مسائل مبتلا به امروز جهان است. پدیده‌ای است که بیش از پیش نسل امروز و فردا را تهدید به نابودی می‌کند و این امر تقریباً درد جدیدی است، روزی نیست که سمینارها و کنفرانس‌هایی با شرکت عده‌ای صاحب نظران دنیا در زمینه‌های جرم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... تشکیل نگردد و در پی از بین بردن این درد بی‌درمان نباشند. ولی از آنجا که در فکر شناخت زمینه‌های اعتیاد بر نمی‌آیند غالباً طرق درمان پیشنهادی آنان نیز چاره درد نمی‌کند. این است که می‌بینیم هر روز بر تعداد معتادین چه در ایران و چه در جهان افزوده می‌گردد (صالح آبادی، ۱۳۹۱).

وابستگی به مواد مخدر مسئله‌ای اجتماعی است. اعتیاد در واقع، عامل ظهور بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و نابسامانی‌های خانوادگی و فردی می‌باشد. «پدیده اعتیاد و به خصوص افزایش سوءمصرف و وابستگی به مواد مخدر صنعتی باتوجه به تأثیرات روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی، خانواده و جامعه را تهدید می‌کند و به رفتارهای آسیب‌زایی مانند تنش در نقش‌های خانوادگی، ولگردی و دیگر رفتارهای کج روانه منجر می‌شود. به همین خاطر، از مهم‌ترین مسائل اجتماعی جهان امروز و همچنین یکی از عوامل تأثیرگذار در بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود. (کاکویی و قوامی، ۱۳۹۳).

اعتیاد یک بیماری اجتماعی است که به عنوان یک پدیده مهلک و مخرب در هر جامعه‌ای مطرح می‌باشد. تا زمانی که به ویژگی‌های معتاد و علل گرایش او به اعتیاد، توجه نشود، درمان جسمی و روانی فقط برای مدتی کوتاه، اثربخش خواهد بود و فرد معتاد دوباره گرفتار مواد مخدر خواهد شد.

تحقیقات نشان می‌دهند که باتوجه به درصد بالای جمعیت جوان در ایران، آمار معتادان جوان و نوجوان رو به افزایش و سن آنها رو به کاهش است. در واقع، طبقه جوان بیش از میانسال و سالخوردگان به اعتیاد گرایش یافته‌اند و متأسفانه مواد مخدر صنعتی مثل کراک و شیشه تبدیل به متداول‌ترین مواد مخدر مورد استفاده آنان شده است. اعتیاد معضلی است که جوامع را تحت الشعاع قرار داده و روزبه‌روز گرایش به مصرف مواد مخدر افزایش پیدا می‌کند. این موضوع در جامعه علاوه بر یک معضل و جرم، یک بیماری نیز تلقی می‌شود و بایستی با راهکارهای مناسب برای مقابله با این معضل اقدام نمود. در واقع مسئله اعتیاد دهم به عنوان یک معضل فردی و هم به عنوان یک معضل اجتماعی است و در سطح جامعه منجر به از بین رفتن نیروها و انرژی جامعه و کارکردهای فردی و خانوادگی می‌شود. شناسایی علل اساسی آنها می‌تواند بسیاری از نیروهای از دست رفته جامعه

عه را تجدید نموده و در مسیر سالم جامعه هدایت کند. اگرچه مسئله مواد مخدر و استعمال تریاک در همه کشورهای پیشینه تا ریخی دارد، لیکن اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر و روان گردان ها در عصر ما پدیده ای است که با پیشرفت صنعت و توسعه ک شورها، در حال گسترش است (صالح آبادی، ۱۳۹۱).

ایران معبر ترانزیتی برای انتقال مواد مخدر از کشورهای شرقی به سمت اروپاست و به این خاطر، این امر می تواند آسیب زا و خطرآفرین برای ساکنین این شهر و به خصوص برای نوجوانان و جوانان باشد، چه اینکه مواد موردنظر به نوعی در دسترس افراد قرار می گیرد. در واقع، آسیب های اجتماعی به وجودآمده از این معضل در شهر مورد مطالعه قابل توجه و نگران کننده می باشد. سؤال پیش آمده این است که علل مؤثر بر اعتیاد به مواد مخدر صنعتی در شهر گرگان چیست؟ در واقع، شناخت و بررسی عوامل محیطی مؤثر بر اعتیاد به مواد مخدر صنعتی در شهر گرگان و درک صحیح این عوامل می تواند برنامه های مربوط به کنترل و پیشگیری از گرایش مردم این شهر به مواد مخدر صنعتی را هدایت و پشتیبانی کند.

مبانی نظری

اعتیاد یکی از چالش های اساسی جوامع امروزی بوده و بر اساس نظریه فشار می توان گفت که اصولاً یک پدیده اجتماعی است و در واقع اعتیاد محصول همان ساختارها و شرایط جامعه و نابسامانی های آن می باشد که افراد دچار آن می شوند؛ اما در خصوص علت جرم، سخن اصلی نظریه فشار آن است که باید این پدیده را ناشی از گسست اجتماعی یا فرایندهای اجتماعی به حساب آورد که نشان دهنده نوعی فشار اجتماعی در درون جامعه است. نظریه پردازان فشار برآنند که این آسیب های اجتماعی فراگیر، بهترین تبیین کننده جرم به عنوان یک مسئله اجتماعی می باشد. این نظریه پردازان به جرم به عنوان مظهر آسیب ناسی اجتماعی نگاه می کنند. افراد قربانی در این دیدگاه، به دلیل وجود فشارهای مرتبط با فرصت های ساختاری و فرایندهای فرهنگی که امکان دستیابی به اهداف خاص را به آنها نمی دهد، مرتکب جرم می شوند. در واقع می توان گفت که نظریه فشار انعکاس دیدگاه های جامعه شناسی کیفی در مورد پدیده بزهکاری است (صالح آبادی، ۱۳۹۱).

آنومی امیل دورکیم: به نظر وی هنگام تحلیل یک پدیده اجتماعی خاص باید این نکته را در نظر داشت که جوامع مختلف، ساختارها، باورها و احساساتی متفاوت را در درون خود شکل می دهند و الگوی رفتاری متفاوتی را به وجود می آورند. برای نمونه، وی خودکشی را در مذاهب مختلف بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که خودکشی یک پدیده اجتماعی است. به نظر وی ساختار هر جامعه بر اساس نوعی تقسیم کار شکل می گیرد و این پدیده خود با گونه های خاصی از وظایف شغلی همراه است (نوری، ۱۳۸۹).

در واقع، جامعه سنتی از نظر دورکیم، دارای انسجام مکانیکی یا خودبه خود بوده و تقسیم کار ساده است؛ اما یگانگی گروهی قوی است. قانون جوامع سنتی قانونی سرکوب گر است که بر مبنای وفاق اجتماعی پدید می آید. وجدان جمعی هم، کار نظارت غیررسمی را برعهده داشته و حقوق و وظایف افراد، معین می باشد، در این وضعیت ناهنجاری کمتر اتفاق می افتد؛ اما با ضعیف شدن روح جمعی و آزاد شدن فرد از سلطه آن، زمینه های دیگری شکل می گیرند که امکان کج رفتاری را پدید می آورد. دورکیم معتقد است که اقتدار اخلاق در یک جامعه تا جایی برای مردم قابل قبول است که این اخلاق با شرایط مادی زندگی مطابقت داشته باشد. حال اگر افراد، مجبور به انجام نقش هایی باشند که با استعدادهایشان مطابقت نداشته باشد، وضعیت آنومیک پیش می آید. شرایط آنومیک در جوامع ارگانیک در اثر تغییر و تحول سریع به وجود می آید که موجب اغتشاش اخلاق اجتماعی شده که در این وضعیت، روح جمعی نخواهد توانست تمایلات بشر را کنترل کند و از طرفی گسترش اهمیت فردگرایی، اگرچه باعث پیشرفت اندیشه و خلاقیت می گردد، ولی می تواند موجب شکل گیری هنجارهایی گردد که

توسعه آرزوهای فردی و محدودنشده را تشویق کند. در این شرایط، فرد ضمن پیروی از ارزش های جمعی، مرتکب کج رفتاری می شود، زیرا هنجارهای جامعه، کج روی را تشویق می کنند همچنین دورکیم انواع خودکشی را مطرح کرد که معتقد بود علاوه بر اینکه خودکشی در دوران بحران های اقتصادی افزایش می یابد، مدعی است که نرخ خودکشی در زمان شکوفایی اقتصادی نیز افزایش می یابد. وی این خودکشی را نشانه ای از آنومی نابهنجار می داند. به نظر وی به هنگام شکوفایی اقتصادی، مقررات سنتی محدودکننده افراد، از بین می رود و آنها نمی دانند چه محدودیت هایی را بپذیرند. هر روز بیشتر و بیشتر می خواهند و هرگز راضی نمی شوند و این موجب سرخوردگی آنها شده که ممکن است به خودکشی بینجامد. بالعکس در زمان فقر ناگهانی، اگر افراد این تحولات را نپذیرند، احساس غیراخلاقی بودن کرده و این امر موجب خودکشی آنها می شود.¹⁷ دورکیم علاوه بر مشاهدات خود در مورد بیشتر بودن میزان خودکشی در میان پروتستان ها نسبت به کاتولیک ها، به این نتیجه می رسد که میزان خودکشی مسن ترها بیشتر از جوانان، شهرنشینان بیشتر از روستائیان، مجردها بیشتر از متأهل ها، مردان بیشتر از زنان و اغنیا بیشتر از فقراست. وی در پی علت این واقعه چنین استدلال می کند که این اقشار از مردم احتمالاً پیوند ضعیفی با جامعه دارند و به همین دلیل، هریک از این انواع خاص، میزان خودکشی بالاتری دارند؛ یعنی هرچه میزان پیوند و هم بستگی این افراد با جامعه سست و ضعیف باشد، احتمال اینکه اقدام به خودکشی کنند، بیشتر است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱).

خودکشی، شایع ترین علت مرگ سوءمصرف کنندگان مواد است. معتادان در حال درمان، ۱۰ برابر بیشتر از جمعیت معمولی جامعه، اقدام به خودکشی می کنند. اغلب معتادان، زمانی برای درمان مراجعه می کنند که مشکلات مرتبط با مصرف به اوج خود می رسند. به همین علت در این دوره زمانی، شخص بسیار مستعد افکار و اقدام به خودکشی است. در واقع، خودکشی دارای یک طیف است که از افکار خودکشی به صورت گذرا شروع می شود و با خودکشی موفق به پایان می رسد (عماری، ۱۳۹۰). مصرف در میان بعضی از اقشار و آمارهای مربوط به خودکشی در ایران نشانگر این است که اعتیاد به مواد مخدر با نسبت ۰/۵۴ به عنوان دومین اختلال شایع در افراد با سابقه اقدام به خودکشی یا خودکشی کامل به حساب می آید. تحقیقات بیانگر این است که اعتیاد به مواد مخدر به تنهایی و نیز در تعامل با فاکتورهای خطرناک دیگر مانند افسردگی، خطر افکار خودکشی را افزایش می دهد (مظفر و همکاران، ۱۳۸۸).

در واقع، ایده اصلی دورکیم آن است که زندگی بدون وجود الزامات اخلاقی یا ضرورت های اجتماعی، تحمل ناپذیر می شود و در نهایت به شکل گیری پدیده آنومی یعنی نوعی احساس بی هنجاری می انجامد که اغلب، مقدمه ای برای دست یازیدن افراد به خودکشی و کج روی است. مفهوم آنومی دورکیم به این نکته اشاره دارد که در جوامع امروزی، خواه در سطح جامعه و خواه در برخی گروه های تشکیل دهنده آن، معیارها و هنجارهای سنتی، وضعیتی در حال تضعیف دارند؛ بی آنکه هنجارهای جدیدی جایگزین آن باشد. زمانی که یک جامعه صنعتی می شود و تنوع بیشتری پیدا می کند، علقه های اجتماعی که بازدارنده رفتارهای جرم زا هستند، دیگر مؤثر نخواهند بود. در واقع تأثیرات ملازم با توسعه، نظیر بالا رفتن آموزش، مهاجرت از روستا، ماهیت ناپایداری نیروی کار و تأکید بر روی کالاهای مادی، موجب تحلیل رفتن مکانیسم های کنترل غیررسمی می شود. این شکست در نظام هنجاری به عنوان افزایش دهنده جرم در جوامع صنعتی و در حال صنعتی شدن، نگریسته شده است. به نظر دورکیم وقتی فرد نتواند به اهداف مورداحترام جامعه نائل شود و هنجاری نباشد که زیاده خواهی ها را محدود کند، با واقعیت تلخ روبه رو می شود و چه بسا و برای رهایی خود، به خودکشی و دیگر انحرافات اجتماعی از جمله مواد مخدر دست خواهد زد (صرامی، ۱۳۸۳).

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع علی - مقایسه ای می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش نامه محقق ساخته در مقیاس پنج درجه ای لیکرت که از گزینه خیلی زیاد با نمره ۵ شروع و به گزینه خیلی کم با نمره ۱ ختم می شود، بوده است . جامعه آماری شامل کلیه معنادان مواد مخدر صنعتی در مراکز ترک اعتیاد شهر گرگان می بوده اند که تعداد ۱۳۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی ساده از بین افراد مورد مطالعه انتخاب گردیدند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماري SPSS و آزمون های پیرسون و اسپیرمن و رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده است.

یافته های پژوهش

یافته های استنباطی این تحقیق در سه قسمت آزمون فرضیات، تحلیل هم بستگی بین متغیرها و رگرسیون چندگانه گام به گام به صورت زیر مورد بررسی قرار گرفت. باتوجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده در جدول ۳ برای هر یک از متغیرها کوچک تر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین فرضیات تحقیق همگی در سطح ۰/۹۹ معنادار بوده و مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج جدول فوق بیانگر وجود رابطه معنادار و مثبت بین متغیرهای محل سکونت و اعتیاد به مواد مخدر می باشد که شدت آن باتوجه به ضریب همبستگی پیرسون ۰/۶۵۴ بیش از متوسط و حدوداً قوی است؛ همچنین بین دسترسی آسان و گرایش به مصرف مواد مخدر صنعتی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و شدت آن باتوجه به ضریب همبستگی پیرسون ۰/۵۵۲ کمی بیش از متوسط است؛ و بین متغیرهای بیکاری و گرایش به مصرف مواد مخدر نیز رابطه معنادار و وجود دارد و شدت آن باتوجه به ضریب همبستگی پیرسون ۰/۵۴۵ کمی بیش از متوسط است؛ همچنین بین آنومی و گرایش به مصرف مواد مخدر صنعتی رابطه معنادار و مثبت بین متغیرهای آنومی و اعتیاد به مواد مخدر وجود دارد و شدت آن باتوجه به ضریب همبستگی پیرسون ۰/۷۴۱ در حد قوی است.

جدول ۱ - خلاصه تحلیل آماری مربوط به هم بستگی بین متغیرهای مستقل و اعتیاد به مواد مخدر صنعتی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
دسترسی آسان	۰/۵۵۲	۰/۰۰۰
محل سکونت	۰/۶۵۱	۰/۰۰۰
آنومی	۰/۷۴۱	۰/۰۰۰
بیکاری	۰/۵۴۵	۰/۰۰۰

برای تعیین رابطه بین متغیرهای تحقیق، از ضرایب هم بستگی پیرسون، اسپیرمن استفاده شده است. سکونت در محل هایی که افراد گرایش بیشتری به کارهای خلاف دارند، یا محل های فقیرنشین، تأثیر مثبتی در اعتیاد فرد داشته است. در واقع، رابطه ی معنادار و مثبتی بین دو متغیر دسترسی آسان و اعتیاد به مواد مخدر، با مواردی از قبیل وجود محیط اجتماعی ناسالم که مواد مخدر صنعتی به وفور، با سهولت و بدون وجود هیچ مانع، محدودیت و کنترلی از سوی مسئولین و با صرف هزینه ای ناچیز، در اختیار افراد مختلف قرار گرفته است، برقرار است. وجود رابطه معنادار و مثبت بین متغیرهای بیکاری و اعتیاد به مواد مخدر را چنین می توان تشریح کرد که با بیکار شدن فرد که اغلب با ناامیدی از پیدا کردن مجدد شغل یا نداشتن سرمایه اولیه برای خوداشتغالی همراه بوده و امکان روی آوردن فرد به اعتیاد نیز بیشتر می شود.

همچنین نتایج بیانگر رابطه معنادار بین متغیر آنومی با متغیر اعتیاد بوده است. بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که نقش همه عوامل مربوط به آنومی (عدم دسترسی به امکانات ورزشی و رفاهی سالم، ناامیدی از وجود حس مسئولیت و رسیدگی به مشکلات توسط مسئولان، داشتن دیدگاهی مادی به زندگی و بی اهمیت پنداشتن معنویات، رونق گرایش به پوچی در زندگی و ...) در بروز اعتیاد، بسایر موثر و قابل تأمل است.

جدول ۲ - خلاصه تحلیل آماری مربوط به هم بستگی بین متغیرهای زمینه ای و مستقل با اعتیاد به مواد مخدر

صنعتی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
تعداد دفعات ارتکاب جرم و دستگیر نشدن	۰/۰۹۱	۰/۲
دسترسی آسان	۰/۵۵۱	۰/۰
محل سکونت	۰/۵۲	۰/۰
آنومی	۰/۷۸	۰/۰۱
بیکاری	۰/۵۳۴	۰/۰۲
دفعات ارتکاب جرم و مخفی ماندن آن	۰/۰۸۸	۰/۳

جهت بررسی شدت تأثیر متغیرهای مستقل م بر اعتیاد به مواد مخدر صنعتی از آزمون رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. همان طور که در نتایج جدول شماره ۲ مشاهده می شود متغیر آنومی بیشترین اثر را بر اعتیاد به مواد مخدر صنعتی داشته است یا به عبارتی بیشترین قدرت پیش بینی را در رابطه با این مسئله نشان داده است، به طوری که حدود ۵۸ درصد تغییرات مربوط به توانمندی توسط این متغیر تبیین می شود و به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیر آنومی، انحراف معیار متغیر اعتیاد به مواد مخدر صنعتی به میزان ۰/۴۵۸ واحد تغییر پیدا می کند. معادله اثر متغیرهای مستقل بر اعتیاد به مواد مخدر صنعتی (متغیر وابسته) به صورت زیر است:

$$Y = 446/5 + 71/1x967/1 + 0x147/2 + 0x3$$

جدول ۳ - رگرسیون چندگانه گام به گام علل اعتیاد به مواد مخدر صنعتی

متغیر	B	آماره تی	ضریب بتا	سطح معناداری
آنومی	۱/۱۷۸	۳۲/۲۵	۴۵۶/۰	۰/۰۱
دسترسی آسان	۰/۹۵	۱۵/۲۵	۲۳۵/۰	۰/۰۵
محل سکونت	۰/۱۴۵	۱۲/۲۴	۱۵۴/۰	۰/۰۰

نتیجه

اعتیاد مغز نوجوانان و جوانان آینده ساز کشور را تباه می کند و نیروی انسانی فعال و کارآمد را از کشور سلب کرده و این سرمایه عظیم ملی را به افرادی بی تفاوت و در مواردی آسیب رسان تبدیل می کند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد از میان ویژگی های فردی پاسخگویان، متغیر سطح تحصیلات پاسخگو رابطه معنادار و منفی، در سطح معناداری ۹۵ درصد، را نشان داد. لذا با افزایش سطح تحصیلات، اعتیاد به مواد مخدر کاهش یافته است. به عبارت دیگر، افراد با تحصیلات پایین تر، گرایش بیشتری به اعتیاد داشته اند. در واقع، درصد خیلی کمی از افراد، تحصیلات عالی داشتند. این نتیجه با تحقیق تاتار و همکاران (۱۳۹۴)، حجاریان و قنبر (۱۳۹۲) همسو می باشد. تحصیلات پایین یا بی سوادی نقش مهمی در فرهنگ عمومی جامعه و همچنین در حریم خانواده و تربیت فرزندان دارد. بی سواد و کم سواد عامل بسیاری از مسائل، مشکلات، نارسایی های اجتماعی و انحرافات است. روشن است که پدر و مادر باسواد بسیار بهتر و با دید باز نسبت به دنیای پیرامون، مسائل و مشکلات خانواده را حل می کنند. والدین تحصیل کرده با روش های علمی و منطقی می توانند فرزندان را کنترل نمایند. آنان اغلب به دلیل آگاهی و شناخت مسائل و نیاز زندگی خود، شرایط مادی و معنوی و عاطفی مناسبی را برای فرزندان ایجاد می کنند. حال آنکه، بی سواد و والدین منجر به مسائلی از قبیل: روش های غیرمنطقی در تربیت فرزندان، بی نبردن به نیازهای روانی فرزندان، نپذیرفتن تغییرات در نگرش های جوانان و تأکید بر روش ها و اعتقادات سنتی خود می شود که تمامی این مسائل موجب می گردند فرد نوعی احساس تنهایی و کمبود نماید و در نتیجه، در پی یافتن همدرد و همدل، به هر شخص و هر موادی روی آورد.

کلانتری و همکاران در بررسی بوم شناسی شهر گرگان به این نتیجه رسیدند که پراکندگی نقاط مربوط به جرم اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر، موجب شکل گیری کانون جرم خیز اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر در شهر گرگان شده است. بنی فاطمه و همکاران در یافته های خود به این نتیجه دست یافتند که بین منطقه سکونت و بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.

در دسترس بودن مواد مخدر علتی می باشد که به همراه علل دیگر زمینه گرایش فرد را به اعتیاد ایجاد می نماید، به گونه ای که اگر در فرد زمینه کجروی وجود داشته باشد و مواد مخدر به آسانی در دسترس او قرار گیرد، از مصرف آن دریغ نمی نماید. دسترسی به مواد مخدر به عوامل گوناگونی بستگی دارد؛ از جمله: وضعیت جغرافیایی کشور، استان و محله جغرافیایی، نقش قوانین، نحوه اجرا و قاطعیت قوانین، و برنامه ریزی های مسئولان برای مهار مواد مخدر.

در مورد محل سکونت، این مسئله اهمیت دارد که غالب افراد معتاد در مناطق حاشیه ای و مناطق قدیمی که دارای کوچه های پر پیچ و خم و خانه های مخروبه می باشد، زندگی می کنند. واقعیت این است که محیط های آلوده می توانند زمینه مساعد شکوفایی استعداد های موجود در افراد برای ارتکاب به جرم و اعتیاد را ایجاد نمایند. در این گونه مناطق که اغلب مناطق فقیرنشین می باشند، امکانات رفاهی و مراکزی مانند سینما، پارک و امکانات رفاهی کمتر وجود دارند و جوانان برای گذران اوقات فراغت خود به اجبار به طرف اعتیاد کشانده می شوند. از سوی دیگر، غالباً این گونه مکان ها از طرف نیروی انتظامی کمتر نظارت می شوند. همچنین اغلب روستاییان و مهاجران خارجی در محله های قدیمی، شلوغ و مخروبه ها که از مراکز شهرها به دور هستند اسکان می یابند و به دلیل آنکه این افراد، اغلب شغلی ندارند و در بین مردم شناخته شده نیستند، خیلی راحت و بهتر می توانند به توزیع مواد مخدر و در نهایت، مصرف آن روی آورند.

این نتیجه با تحقیق رضاخانی مقدم و همکاران (۱۳۹۱) همسو نمی باشد؛ زیرا آنها در کار خود به این نتیجه دست یافتند که بین محل سکونت و سوءمصرف مواد مخدر رابطه معناداری وجود ندارد.

باتوجه به نظریه بوم شناسی، می توان گفت که به دلیل افزایش مهاجرت، به خصوص از روستاهای اطراف به شهر گرگان و مواجه شدن با نوعی تضاد فرهنگی و نیز نبود امکانات رفاهی - اقتصادی در محیط روستایی و عدم توانایی اقتصادی مهاجران، اغلب آنها در مناطق غیررسمی مثل بیسیم، دانشسرا، اسلام آباد و حاشیه شهر ساکن می شوند که این مناطق به تبع ویژگی های کالبدی و فرهنگی که دارد، عمدتاً شلوغ و پرجمعیت، دارای محلات جرم زا و آلوده بوده و ارتکاب جرایمی نظیر تهیه، توزیع و مصرف مواد مخدر در آنها به سهولت صورت می گیرد. باندها و گروه های کوچک تهیه و توزیع مواد مخدر معمولاً در این محلات شکل گرفته و فعالیت می کنند.

نتایج تحقیق نشان داد که بین بیکاری و اعتیاد به مواد مخدر صنعتی رابطه وجود دارد. زمانی که فرد در جامعه مشغول به کاری هست، معمولاً فرصت رفتن به دنبال کج روی را ندارد؛ ولی زمانی که افراد جامعه شغلی برای تأمین نیازهای خود ندارند و از طرفی به خاطر اوقات فراغت بیش از حد، افکار مجرمانه را در سر خود می پروراند، ممکن است به سمت اعتیاد و سایر رفتارهای مجرمانه گرایش پیدا کنند. این نتیجه با تحقیق یوسفی و همکاران (۱۳۹۱)، حاجعلی و همکاران (۱۳۸۹)، کلانتری و همکاران (۱۳۸۹)، سیام (۱۳۸۵)، حجاریان و همکاران (۱۳۹۲)، امیرپور و همکاران (۱۳۹۱)، یاراحمدی و همکاران (۱۳۹۴) و محمدی (۱۳۸۷) همسو می باشد.

در تحقیق حاجعلی و همکاران، بیشتر پاسخگویان اذعان داشته اند که در آینده بیکاران به میزان زیاد به مصرف مواد مخدر روی خواهند آورد. همچنین بر این مسئله صحه گذاشته اند که داشتن شغل، یکی از عوامل مؤثر بر پیشگیری از مصرف مواد مخدر بوده است. این نتیجه با یافته های رئیسی (۱۳۹۲) همسو نبوده است. وی به این نتیجه رسید که بیکاری نمی تواند اعتیاد به مواد مخدر صنعتی را تبیین نماید؛ بنابراین رابطه این دو متغیر معنادار نبود. این یافته ها از تئوری مرتن و دورکیم حمایت می کند. به نظر دورکیم زمانی که در جامعه تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی رخ می دهد، موجب آشفتگی اجتماعی می شود زیرا انومی موجب اختلال و شکاف عظیم بین ابزار دستیابی به اهداف و آرزوها شده و خواسته های مردم را نامحدود می کند. مثلاً در شرایط تحول سریع اقتصادی، وقتی کارخانه ها صنعتی و ماشینی می شود، بیکاری افراد زیادی را سبب شده و در نتیجه زمینه را برای جرم و انحراف، فراهم می سازد. انومی مرتن هم در واقع، بیانگر یک خصلت ثابت جامعه ای است که هرگز نمی تواند تناقض میان ارزش موفقیت را با شیوه های قانونی دستیابی به آن حل کند. جامعه ای که در آن، فرهنگ و ساخت اجتماعی با یکدیگر همسو نبوده و علی رغم وجود ثروت و رفاه اقتصادی در آن، نمی تواند فرصت های مساوی در اختیار افراد قرار دهد و جامعه ای شدیداً نابرابر می باشد.

نتایج نشان داد که بین دسترسی آسان و اعتیاد به مواد مخدر صنعتی رابطه وجود دارد؛ یعنی هرچه خرید و فروش مواد مخدر به راحتی در جامعه صورت بگیرد و افراد بدون هیچ محدودیتی و یا با محدودیت کمتر بتوانند مواد موردنیاز خود را تأمین نمایند و نیز شیوع آزمایشگاه های خانگی تولیدکننده مواد مخدر صنعتی، مواد مصرفی معتادین را به راحتی در دسترس آنها قرار می دهند که امر گرایش افراد به سمت اعتیاد به مواد مخدر به خصوص صنعتی را تشدید خواهد نمود.

این نتیجه با تحقیق دهقانی (۱۳۸۳)، حجاریان و همکاران (۱۳۹۲)، دعاگویان و همکاران (۱۳۹۰)، خلیلی (۱۳۸۶)، خادمیان و همکاران (۱۳۸۷)، همسو می باشد. خلیلی در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که دسترسی آسان به مواد مخدر یکی از مهم ترین عوامل اعتیاد فرد محسوب می شود. حجاریان و همکاران در یافته های خود به این نتیجه رسیدند که دسترسی

آسان به مواد مخدر صنعتی یکی از مؤثرترین عوامل اعتیاد می باشد و ۶۵ درصد دهنندگان بر این مسئله اذعان نموده اند. در مناطقی که سهولت بیشتری برای دسترسی به مواد مخدر وجود دارد، افراد فرصت بیشتری برای ارتکاب جرایم مواد مخدری دارند، زیرا در چنین مناطقی، موقعیت هایی برای افراد فراهم می شود که تا مرتکب جرایمی مرتبط با مواد مخدر گردند. نتایج نشان داد که بین آنومی و اعتیاد به مواد مخدر صنعتی رابطه وجود دارد. زمانی که جامعه دچار هنجارگسیختگی می شود و افراد جامعه دچار یأس و ناامیدی می گردند و نسبت به ساختارهای جامعه بدگمان شده و احساس می کنند که جامعه امکان ات و حقوق آنها را برای رسیدن به اهداف موردقبول جامعه، از آنها دریغ می کند. این امر موجب می شود که آنها به دنبال راه های نامشروع و غیرقانونی باشند.

دورکیم با طرح مفهوم آنومی معتقد بود که همواره در جوامع یک سری هنجارهای اخلاقی برای تنظیم و هدایت رفتار کنشگران وجود دارد، اما تحت شرایط خاصی نظیر بحران های اقتصادی و تغییرات سریع اجتماعی، این هنجارها جنبه کنترل و تنظیم کنندگی خود را از دست می دهند که این امر زمینه را برای انحراف آماده می کند. وجدان جمعی در واقع، کار نظارت غیررسمی را برعهده داشته و حقوق و وظایف افراد، معین می باشد، در این وضعیت ناهنجاری کمتر اتفاق می افتد؛ اما با ضعیف شدن روح جمعی و آزاد شدن فرد از سلطه آن، زمینه های دیگری شکل می گیرند که امکان کج رفتاری را پدید می آورد. دورکیم معتقد است که اقتدار اخلاق در یک جامعه تا جایی برای مردم قابل قبول است که این اخلاق با شرایط مادی زندگی مطابقت داشته باشد. حال اگر افراد، مجبور به انجام نقش هایی باشند که با استعدادهایشان مطابقت نداشته باشد، وضعیت آنومیک پیش می آید⁵⁹.

. طبق جامعه آماری تحقیق، بیشترین قربانیان این معضل جوانان بودند که به دلایل گوناگون جامعه شناختی گرفتار چنین مسئله بزرگی شده اند. مسئله دیگری که در این تحقیق قابل توجه بود، میزان بالای ارقام سیاه و خاکستری بزهکاری بود، به طوری که همه افراد مورد مطالعه اذعان کرده اند که حداقل یک بار مرتکب جرم گردیده و جرم آنها کشف شده ولی دستگیر نشده اند اما در رابطه با رقم سیاه باید گفت که بیش از پنجاه درصد پاسخگویان بر ارتکاب جرایم مختلف صحه گذاشته اند ولی جرم آنها هیچ وقت کشف نشده است و بیشترین میزان جرایم ارتكابی در زمینه مواد مخدر بوده است. نتایج حاصل از فرضیات تحقیق حاکی از این بود که بین متغیرهای مستقل (آنومی، محل سکونت و مهاجرت، دسترسی آسان به مواد مخدر و بیکاری) و اعتیاد به مواد مخدر صنعتی در شهر گزگان رابطه معنا دار قوی وجود دارد، به طوری که رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مثبت و مستقیم بود؛ اما در بحث تحلیل رگرسیون، درخصوص مطالعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، نتایج به دست آمده حاکی از این است که آنومی بیشترین پتانسیل پیش بینی را بر اعتیاد نشان می دهد؛ ولی از میان متغیرهای مستقل، بیکاری قدرت پیش بینی کنندگی ضعیفی نسبت به دیگر متغیرها داشت.

در پایان راهکارهای عملی به صورت ذیل مطرح می شود:

- باتوجه به اینکه مناطق جرم خیز در شهر گرگان فاقد امکانات ورزشی و تفریحی می باشد، پر کردن این خلأها می تواند در پیشگیری از بزهکاری و اعتیاد در این مناطق از شهر مؤثر باشد چراکه با این اقدامات، می توان زمینه ارتکاب جرم را تا حدودی کاهش داد. همچنین با اصلاح وضعیت کالبدی و فیزیکی و کاهش به هم ریختگی فیزیکی و همچنین احداث مراکز انتظامی در این نواحی، می توان نظارت اجتماعی، غیررسمی و رسمی را تقویت کرد؛

- برای نجات معتمدان از اعتیاد، محیط جدیدی لازم است که راه های جدید فعالیت های اجتماعی - فرهنگی را بر روی معتمد بگشاید و رفتارهای جامعه پسند او را تقویت کند؛ زیرا اکثر معتمدان به خاطر عدم توجه و طرد شدن از صحنه اجتماع و ناامیدی از آینده رنج می برند که این مسئله، بازپذیری اجتماعی آنها را دشوار می نماید. این مورد هم درباره ایجاد روحیه امر به معروف و نهی از منکر و همدلی بین مردم، به نحوی که در مواقع دیدن توزیع مواد مخدر در جامعه، مسئولان را در جریان امر قرار دهند.

ایجاد زمینه اشتغال برای همه اقشار جامعه.

ارتقای فرهنگی افراد جامعه از طریق ارتقای سطح آموزش.

کنترل شدید مرزهای کشور.

توجه به امکانات مورد نیاز مردم ساکن محیط های دورافتاده و پایین شهر، و ایجاد امکانات رفاهی، تفریحی (سینما، استخر، شهربازی و...) که متناسب با نیاز و وضعیت مردم آن مناطق باشد.

منابع

۱. رابرت فرنام، «خطر خودکشی در اعتیاد؛ ارزیابی و مداخله»، فصلنامه طب اعتیاد ۲ (۱۳۹۲)، ۵۱.
۲. مهدی نصرت آبادی و دیگران، «پیش بینی گرایش به افکار خودکشی بر اساس متغیرهای روانی - اجتماعی و احتمال اعتیاد به مواد در سربازان وظیفه: یک الگوی ساختاری»، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی ایلام ۶ (۱۳۹۵)، ۸۸.
۳. دی.ای.د. واس، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی (تهران: نشر نی، ۱۳۹۳)، ۲۳.
۴. ابراهیم صالح آبادی و محسن سلیمی امان آباد، «بررسی رابطه سبک زندگی جوانان و گرایش به مصرف مواد مخدر صنعتی در شهر شیروان»، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان ۶ (۱۳۹۱)، ۶۰.
۵. ارل رابینگتن و مارتین واینبرگ، رویکردهای نظری هفت گانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت اله صدیق (سروستانی) تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳، (۱۰۰).
۶. حسن عماری، «بررسی تأثیر برنامه پیشگیری از اعتیاد (شادی) بر رفتارهای پرخطر جوانان در معرض خطر مصرف مواد مخدر»، مجله مطالعات امنیت اجتماعی ۲۶ (۱۳۹۰)، ۶۳.
۷. حسین مظفر، منیژه ذکریایی و مریم ثابتی، «آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۱۳-۲۸ ساله شهر تهران»، پژوهشنامه علوم اجتماعی ۴ (۱۳۸۸)، ۳۸.
۸. حمید صرامی، «آسیب شناسی اجتماعی مواد مخدر»، مجله اصلاح و تربیت ۱۰۳ (۱۳۸۹)، ۴.
۹. راب وایت و فیونا هینز، جرم و جرم شناسی، ترجمه علی سلیمی (قم: انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲)، ۱۴۱.
۱۰. رویا نوری و بابک قرقلو، «بررسی نقاط قوت و محدودیت های به کارگیری پلیس زن در عرصه مبارزه با مواد اعتیادآور در کشور ایران»، مجله پلیس زن ۱۲ (۱۳۸۹): ۹۹-۱۰۰.
۱۱. علی نجفی توانا، جرم شناسی) تهران: نشر آموزش و سنجش، ۱۳۹۰، (۷۷-۷۶).
۱۲. عیسی کاکویی دینکی و نسرين السادات قوامی، «بررسی ویژگی های جنسیتی و پیامدهای گرایش زنان به سوءمصرف مواد مخدر»، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد ۴ (۱۳۹۳)، ۱۰.

۱۳. فرانک پی. ویلیامز و ماری لین دی مک شین، نظریه های جرم شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱)، ۵۶-۵۵.
۱۴. فریده ممتاز، انحرافات اجتماعی (نظریه ها و دیدگاه ها) تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸، ۵۷.
۱۵. ناصر یوسفی و محمد خالدیان، «بررسی عوامل فردی، خانوادگی و محیطی گرایش افراد به مواد مخدر و اعتیاد»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۲۵ (۱۳۹۱)، ۷۸.
۱۶. Robert. K. Merton, Social Theory and Social Structure (New York: Free Press, 1957), 126